

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه گیلان

دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی

بررسی حذف و انواع آن

در تاریخ بیهقی

نگارش:

مریم مرادی

استاد راهنما:

عباسعلی وفایی

استاد مشاور:

داود اسپرهم

استاد داور:

دکتر مجتبی منشی زاده

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

زبان و ادبیات فارسی

شهریور ۱۳۸۶

۱۳۸۷ / ۲ / ۸

کتابخانه مرکزی  
دانشگاه گیلان

کتابخانه

۷۵۳۷

## فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه‌ها

### کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

<b>عنوان: بررسی حذف و انواع آن در تاریخ بیهقی</b>	
<b>نویسنده / محقق: مریم مرادی</b>	
<b>مترجم:</b>	
<b>استاد راهنما: دکتر عباسعلی وفایی</b>	<b>استاد مشاور / استاد داور: دکتر داود اسپرهم / دکتر</b>
<b>مجتبی منشی زاده</b>	
<b>نوع پایان نامه:</b> <input checked="" type="checkbox"/> <b>بنیادی</b> <input type="checkbox"/> <b>توسعه‌ای</b> <input type="checkbox"/> <b>کاربردی</b>	
<b>مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد    سال تحصیلی: ۸۶</b>	
<b>محل تحصیل: تهران    نام دانشگاه: علامه طباطبائی    دانشکده: ادبیات و</b>	
<b>زبانهای خارجی</b>	
<b>تعداد صفحات: ۱۸۹    گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی</b>	
<b>کلید واژه‌ها به زبان فارسی:</b>	
<b>حذف - تخفیف - حذف به قرینه لفظی - حذف به قرینه معنایی</b>	
<b>کلید واژه‌ها به زبان انگلیسی</b>	
<i>Omission , (reduction), omission by speaking in word, omission in the deepous of word</i>	

## «چکیده»

### الف) موضوع و طرح مسئله و اهمیت موضوع و هدف

بررسی حذف و انواع آن در تاریخ بیهقی

زبان پدیده ای اجتماعی و در حال تغییر است تغییرات اجتماعی برحسب تأثیری که بر نیازهای نوع بشر می گذارد در طی زمان الفاظی را از میان برده و الفاظی را می زیاند. بررسی مواردی که از زبان حذف یا به زبان افزوده می گردد برای حفظ پیشینه ی تاریخی زبان و همچنین به جهت فهم و دریافت هرچه درست تر متون ادبی، تاریخی و... که حافظ زبان و اصالت ملی و فرهنگی هر جامعه می باشد، لازم و بایسته است.

با توجه به اینکه تاریخ بیهقی یکی از گرانبهاترین منابعی است که امکان ارتباط ما را با گذشته تاریخی، ادبی و فرهنگی مان ممکن می سازد و به علت بالابودن بسامد حذف در این اثر بی بدیل همت خود را برآن گماشتیم که به صورت هرچه علمی تر و دقیق تر به بررسی موارد محذوف در آن بپردازیم.

ب) مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسش ها و

فرضیه ها:

ساختار نظری این پژوهش بر پایه ی بررسی حذف در سه سطح آوایی- صرفی و نحوی و همچنین بررسی انواع حذف به قرینه لفظی و معنایی صورت پذیرفته است نیز در مبانی نظری این تحقیق به بازبینی پیشینه تحقیقات در زمینه حذف از رهگذر مروری بر آثار اساتید دستور زبان فارسی پرداخته شده است.

این پژوهش با استناد به منابع گسترده ی دستور زبان فارسی و زبان شناسی نگاشته شده که به اختصار به نام تعدادی از آن ها اشاره می کنیم:

دستور زبان فارسی ۲؛ دکتر حسن انوری- مقدمات زبان شناسی؛ دکتر مهری باقری- آواشناسی زبان فارسی؛ دکتر یدالله ثمره- ساخت آوایی زبان فارسی؛ دکتر مهدی مشکاه‌الدینی - مجموعه مقالات زبان شناسی؛ حسین وثوقی و... (ر.ک به کتابنامه)

**پ) روش تحقیق: کتابخانه ای - پژوهشی**

**تعریف مفاهیم:**

۱) حذف: تخفیف در کلمه (صامت یا مصوت) و کاستن واژه یا گروهی از واژگان از کلام است که با اهداف مختلفی صورت می گیرد.

۲) حذف به قرینه لفظی: عبارت است از حذف معادل از روساخت کلام با استناد به قرینه ای که در قبل یا بعد آمده است.

۳) حذف به قرینه معنوی: عبارت است از حذف کلمه یا قسمتی از کلام بدون وجود نشانه لفظی.

۴) قرینه: نشانه ای که با استناد به آن معادل ها را از روساخت کلام حذف می نمایند. (دلیل و نشانی بر کلمه محذوف)

**ت) یافته های تحقیق (نتیجه گیری):**

با توجه به گستردگی نتایج حاصله به صورت اختصار به تعداد محدودی از آن ها اشاره می نمایم:

- نتایج بررسی حذف نهاد (مسندالیهی):

۱) بسامد حذف نهاد در جملاتی که دارای فعل ربطی هستند نسبت به جملاتی که دارای فعل خاص (تام) هستند پایین تر است.

۲) حذف نهاد مسندالیهی در تاریخ بیهقی در اکثریت موارد با قرینه لفظی صورت گرفته است.

۳) در برخی از موارد حذف نهاد مسندالیهی همراه با حذف رابطه است، چنانکه نمونه های آن ذکر شد. منزل نخستین باشان بود و Ø دیگر خیسار و Ø دیگر بریان. ص ۱۶۷

۴) در بیشتر و شاید بهتر باشد بگوییم در همه موارد ما با حذف نهاد تنها در جمله دوم مواجه هستیم و جملات متعاطف بسیاری را با یک نهاد مسندالیهی مشاهده نمی کنیم. برخلاف آنچه در حذف نهاد فاعلی با آن مواجه بودیم.

۵) در کنار حذف مسندالیه به قرینه لفظی ما با حذف مسند الیه به قرینه مستثنی مواجه هستیم:

گفتم: زندگانی امیر، حاجب بزرگ دراز باد. (Ø = چیزی) جز خیر و خوبی نباشد و...

- نتایج بررسی حذف متمم:

۱- بیشترین بسامد متمم محذوف به ترتیب فراوانی از آن متمم های: فعل، مفعول، قید، مسند،

متمم برای متمم می باشد.

۲- در بیشینه موارد حذف متمم در تاریخ بیهقی ما با حذف متمم همراه « حرف نشانه پسین را»

روبرو هستیم.

۳- متمم های اختیاری در متن تاریخ بیهقی غالباً با قرینه لفظی حذف شده اند.

## -نتایج بررسی حذف فعل :

- 1) حذف فعل معین و ربطی به قرینه لفظی در تاریخ بیهقی بالاترین بسامد را داراست.
- 2) یکی از علل و عوامل حذف فعل به قرینه لفظی «تناسب دوجمله با هم» است. از اقسام این تناسب که از بسامد بالایی هم برخوردار است، یکی عطف آنها به همدیگر است: «و... و» «هم ... هم» ، «نه ... نه» و «یا ... یا»:

-مخالفی داهی است و گریز، هم مال دارد و هم لشکر و هم زرق و حیل و مکر.

و...

## -نتایج بررسی حذف فعل مرکب:

- 1) حذف در افعال مرکب [فعلیاری یا همکرد] در تاریخ بیهقی با قرینه لفظی صورت گرفته است.
- 2) تمامی فعلیاریهای محذوف از منظر نوع و مقوله دستوری، اسم می باشند.
- 3) به استثنای حذف فعلیاری مواد محدودی حذف همکردهای یکسان هم در نثر بیهقی موجود است.
- 4) بالاترین بسامد همکردی که فعلیاری آن محذوف است «کردن» می باشد.
- 5) با توجه به نمونه های یاد شده در پاسخ به جملات پرسشی و در هنگامیکه پاسخ فعل مرکب باشد فعل حذف شده است، همچنین است در پاسخ به شرط.

## -نتایج بررسی حذف جمله:

- 1) حذف در این گونه موارد با قرینه لفظی صورت گرفته است.
- 2) شایع ترین علت حذف در جملات، حذف پس از کلمات؛ همچنان، همچنانکه، همچنین و دیگر بوده است.


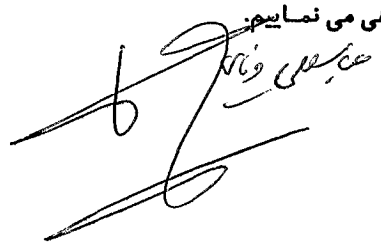
۳) دیگر از دلایل حذف جمله، حذف در پاسخ به جمله پرسشی است.

۴) در مواردی که جمله متضمن معنای شرط باشد معمولاً قسمتی از جمله بعدی یا تمام آن به

قرینه اثبات در مقابل حذف می شود. (نگاه کنید به نمونه ص ۲۱۰)

۵) هرگاه «که» معنی آنچه‌آنکه بدهد در ادامه با حذف جمله روبرو هستیم:

در هیچ سفر لشکر را آن رنج نرسید که در این سفر  $\emptyset$ .

کتابخانه دانشگاه تهران  
رئیس کتابخانه:   
نام استاد راهنما: 

سمت علمی:

نام دانشکده:

رئیس کتابخانه:



« هو العليم »

« سپاس و ثنا معبودی راست که واجب الوجود است ، مسجودی که

وجود او واهب انوار عقل و جودست.»

سپاس بیکران نثار استاد راهنمای گرانقدرم جناب آقای دکتر وفایی به

پاس راهنمایی های راهگشا و الطاف بی دریغشان .

و سپاس از استاد مشاور ارجمند جناب آقای دکتر اسپرهم

و با تشکر از استاد داور گرامی جناب آقای دکتر منشی زاده به خاطر

تمامی دقت نظرها و بزرگواری شان.

تمامی کلمات دنیا را در اختیار داشتیم ، اما چیزی  
نگفتیم که به کار آید ، زیرا که تنها یک لفظ درمیانہ نبود:

« عشق »

تقدیم به مادر وهمسر مهربانم ، با عشق.

## چکیده:

زبان پدیده ای اجتماعی و در حال تغییر است و تغییرات اجتماعی برحسب تأثیری که بر نیازهای نوع بشر می گذارد در طی زمان الفاظی را از میان برده و الفاظی را می زیاند.

بررسی مواردی که از زبان حذف یا به زبان افزوده می گردد برای حفظ پیشینه ی تاریخی زبان و همچنین به جهت فهم و دریافت هرچه درست تر متون ادبی، تاریخی و... که حافظ زبان و اصالت ملی و فرهنگی هر جامعه می باشد، لازم و بایسته است.

با توجه به اینکه تاریخ بیهقی یکی از گرانبها ترین منابعی است که امکان ارتباط ما را با گذشته تاریخی، ادبی و فرهنگی مان ممکن می سازد و به علت بالا بودن بسامد حذف در این اثر بی بدیل همت خود را بر آن گماشتیم که به صورت هرچه علمی تر و دقیق تر به بررسی موارد محذوف در آن پردازیم.

در تعریف حذف می توان گفت حذف، تخفیف در کلمه (صامت یا مصوت) و کاستن واژه یا گروهی از واژگان از کلام است که با اهداف مختلفی صورت می گیرد.

بر طبق مطالعات سبک شناسی «حذف» به ویژه «حذف فعل» در جملات متعاطفه از قرن پنجم به بعد شایع گردید و در قرن ششم رواج یافت، برخلاف دوره قبل که تکرار جزو محسنات نثر فارسی به شمار می آمد.

تاریخ بیهقی در شمار نخستین کتابهایی است که در آن، حذف افعال و ارکان مختلف جمله، از بسامد بالایی برخوردار است.

بالا بودن بسامد انواع حذف در تاریخ بیهقی، انگیزه ای جهت آغاز این پژوهش قرار گرفت. بدین ترتیب، به منظور گردآوری مبانی نظری به مطالعه و نمونه برداری کتب علمی و دستوری مرتبط پرداختیم. شایان ذکر است که در این رهگذر مشکلاتی بر سر راه پژوهش قرار گرفت؛ عدم وجود منابع کافی درباره حذف و اینکه در پیشینه کتب دستور زبان فارسی و به ندرت زبان شناسی مطالب تکراری، پراکنده و طبقه بندی نشده ای در مورد حذف آورده شده بود که پیشبرد کار را اندکی دشوار می ساخت.

سپس براساس مطالب علمی گردآوری شده به بررسی موارد محذوف در تاریخ بیهقی، در سه گروه اسمی، فعلی، حروف و همچنین جملات پرداخته و با توجه به بسامد بالای نمونه ها به آوردن گزیده ای از مجموعه نمونه های مورد بررسی اکتفا کرده و نتایج را به صورت علمی باز نمودیم. البته لازم به ذکر است که اساس کار بر پایه حذف در سه سطح آوایی، صرفی و نحوی قرار داشت، اما از آنجا حذف در سطح آوایی بیشتر مربوط به حوزه نظم می باشد، عمده موارد محذوف را از منظر حذف صرفی و نحوی مورد پژوهش قرار دادیم.

در پایان باید گفت که: حذف در شمار مؤثرترین عوامل در جهت تشخیص ادبی و سبکی و زیبایی آفرینی در تاریخ بیهقی بوده است و با شیوه ای بسیار دقیق و بدون ایجاد سردرگمی برای خواننده نثری جذاب و موجز به وجود آورده است.

کلید واژه ها: حذف - تخفیف - حذف به قرینه لفظی، حذف به قرینه معنوی.

## فهرست

## صفحه

چکیده	هفت
فهرست مطالب	نه
فصل اول: تعاریف و کلیات	۱
۱- معانی حذف	۲
۱-۱- حذف و ترخیم	۲
۲- دلایل حذف	۴
۳- حذف در سطوح زبانی	۶
۳-۱- حذف در سطح آوایی	۹
۳-۱-۱- فرایندها و دگرگونی های واجی	۱۲
۳-۲- حذف در سطح صرفی	۲۶
۳-۳- حذف در سطح نحوی	۳۱
۳-۴- تنازع	۳۶
۴- انواع حذف	۳۹
۴-۱- حذف به قرینه لفظی	۴۰
۴-۲- حذف به قرینه معنایی	۴۰
۴-۳- حذف در مخاطبه	۴۴
۵- حذف و ایجاز	۴۶
۶- پیشینه تحقیقات در زمینه حذف	۴۹
(مروری بر آثار پیشین)	
۷- تاریخ بیهقی و ویژگیهای ادبی - سبکی - دستوری آن	۶۱
۷-۱- ویژگیهای سبکی	۶۲
۷-۲- ویژگیهای دستوری	۶۵

۷۳	فصل دوم: حذف در تاریخ بیهقی
۷۴	۸-حذف در تاریخ بیهقی
۷۷	۸-۱-حذف در گروه اسمی
۷۸	۸-۱-۱-حذف نهاد فاعلی
۸۵	۸-۱-۲-حذف نهاد مسند الیهی
۸۹	۸-۱-۳-حذف مسند
۹۳	۸-۱-۴-حذف مفعول
۱۰۰	۸-۱-۵-حذف متمم
۱۰۶	۸-۱-۶-حذف مضاف الیه
۱۱۰	۸-۲-حذف قید
۱۱۹	۸-۳-حذف در گروه فعلی
۱۲۴	۸-۳-۱-حذف فعل با قرینه لفظی
۱۳۵	۸-۳-۲-حذف فعل بدون قرینه لفظی
۱۴۰	۸-۳-۳-حذف فعل معین در تاریخ بیهقی
۱۵۱	۸-۳-۴-حذف فعل مرکب
۱۵۵	۸-۳-۵-حذف افعال ناقص یا غیر شخصی
۱۵۷	۸-۳-۶-حذف شناسه
۱۶۰	۸-۴-حذف جمله
۱۶۷	۸-۵-حذف حروف
۱۷۸	نتیجه گیری
۱۸۵	کتابنامه (فهرست منابع و مأخذ)
۱۸۸	چکیده انگلیسی



# فصل اول: تعاريف و كلييات



## ۱) معانی حذف

### ۱-۱) حذف و ترخیم [در دستور زبان فارسی]

نجم الغنی هندی گوید: حذف عبارت از کاستن حرف است از لفظی، مفرد باشد یا مرکب، به جهت تخفیف لفظ یا بنای کلمه یا ضرورت دیگر. و باعث تخفیف کثرت تداول و استعمال است. و پس از تخفیف لفظ محذوف عنه، «مخفف» نامیده می شود.

وقوع آن ممکن است که در صدر لفظ باشد یا در وسط یا در آخرش و این قسم آخر را پارسیان به اسم «ترخیم» نامند و اسمی را که در آن ترخیم راه یافته مرخم خوانند.

لیکن به اصطلاح نحویان عرب ترخیم عبارت از انداختن حرف آخر از کلمه منادی به جهت تخفیف، و نزد پارسیان منادی بودن مرخم ضروریست چنین است در غیاث و من می گویم که ترخیم نزد اهل عربیت بر دو گونه است: یکی ترخیمی که واقع است در منادی و یکی آن که واقع است در غیر منادی، اما منادی عبارت است از حذف آخر از برای محض تخفیف به غیر علت صرفی، و تخفیف علت صرفی نیست بلکه نکته ایست بر علت که مقتضی حذف بود برای تخفیف و برین تقدیر تعریف مختص به ترخیم منادی است و اما تعریف ترخیم غیر منادی به قیاس این تعریف معلوم می شود پس آنچه صاحب غیاث گفته است بی اساس است.»

«دهخدا-ح-حاصل»

دکتر معین در مجلد اول از فرهنگ فارسی خود می نویسد:

«۱-۲) حذف hazf ۱- (مص م.) ساقط کردن، انداختن، قطع کردن، افکندن.

۲- (ادب.) انداختن و ترک کردن حرفی از حروف در نظم یا نثر، و گفتن شعری که حرفی معین در آن نباشد، و یا آوردن کلمات بی نقطه.

۳- (دس.) انداختن کلمه یا جمله ای به قرینه، مثلاً وقتی بگوییم: «توانگری به هنراست نه به مال، و بزرگی به عقل است نه به سال» در جمله اول پس از کلمه «مال» فعل «است» به قرینه «است» مذکور در سابق حذف گردیده. و همچنین در جمله دوم.»

«فرهنگ فارسی - دکتر معین» [آ-خ]

۱-۳) حذف: حذف در زبان در واقع مطلبی است که بازگو نشده باقی می ماند. اما به علت

وجود یک پیش انگاری قابل درک است. «هلیدی و حسن» ۱۹۷۶: ۱۴

## ۲) دلایل حذف:

باتوجه به اینکه «حذف» یکی از موارد «تحول در زبان» به شمار می رود پیش از هرچیز اندکی در باب تحول در زبان و علل آن سخن می گوئیم.

زبان پدیده ای اجتماعی و پیوسته در حال تغییر، رشد و شکوفایی است. اجتماعی بودن زبان، از این پدیده ابزاری جهت برآوردن نیازهای اجتماعی نوع بشر ساخته است.

بنابراین باید گفت هرگونه تغییر و تحولی در اجتماع ایجاد شود به طبع بر نوع نیازهای اجتماعی افراد بشر تأثیر می گذارد و از این رهگذر است که در طی زمان الفاظی از میان می رود و الفاظی تازه رایج و متداول می شود.

به عنوان مثال: (( «برگستوان» که نوعی زره روی اسب در هنگام جنگ بوده است امروزه متروک است زیرا مفهوم و مصداق آن در زندگی امروز وجود ندارد. اما «راه آهن»، «هواپیما»، «بمب» و «ماهواره» الفاظ تازه ای است که در زبان فارسی یک قرن پیش وجود نداشته، زیرا که مفهوم و مصداق آنها در میان نبوده است. از سوی دیگر رابطه اجتماعی میان افراد که به وسیله زبان و گفتار حاصل می شود مستلزم کوشش و صرف نیروی عضلانی است. سخن گفتن کاری است که به وسیله ذهن و عضلات و اندامهای گفتار انجام می گیرد و مانند هر کار دیگر ذهنی و بدنی موجب «خستگی» می شود. انسان به طبع مایل است که تا می تواند برای حاصل کردن نتیجه منظور کمتر بکوشد، یعنی تا حد امکان از خستگی بکاهد. اما البته این گریز و پرهیز از «کوشش» تا آنجا گسترده می شود که به حصول معنی زبان نرساند)).<sup>۱</sup>

درواقع این یکی از اصول گفتار است که مارتینه زیانشناس فرانسوی آن را در قالب «نظریه اقتصاد در زبان» [Language Economy] مطرح می کند؛ این اصل که ما آن را «اصل کم کوشی» می نامیم، مبتنی بر این اندیشه است که، زبان انسان مانند سایر الگوهای رفتاری او پیرو اصل صرفه جویی است، انسان در هنگام سخن گفتن سعی می کند با صرف حداقل انرژی و تلاش،

<sup>۱</sup> - تاریخ زبان فارسی - دکتر پرویز ناتل خانلری: ص ۷۷.

عمل پیام‌رسانی را انجام دهد. و این صرفه‌جویی را تا حدی اعمال می‌کند که به اصل پیام لطمه‌ای وارد نسازد.

«سخن‌گویان تمام زبانها نحوه حذف معادل‌های هم‌معنا و رعایت اصل اقتصاد را در کاربرد زبان از سنین کودکی به همراه زبان مادری فرا می‌گیرند و این کار جنبه فراگیری «acquisition» دارد نه جنبه یادگیری «learning»<sup>۱</sup>

از سوی دیگر، بنابر اصول منطقی و قواعد ناخودآگاه ذهنی-زبانی مان به حذف عناصری از کلام خود می‌پردازیم با این هدف که کلام، سرشار از مکررات خسته‌کننده نباشد زیرا در غیر این صورت عمده‌ترین هدف انسان از سخن‌گویی که همانا مؤثر واقع شدن کلام است محقق نخواهد شد.

با در نظر گرفتن این نکته که گیرنده پیام از طریق ارتباط ذهنی و منطقی که به صورت ناخودآگاه بین ژرف ساخت و روساخت برقرار می‌کند عناصر محذوف را پیش‌بینی می‌نماید با حذف زواید غیرلازم از گفتار و نوشتار، برتأثیر و زیبایی سخن می‌افزاییم.

شاید بتوان گفت از آن رو که مورد یاد شده جنبه فراگیری دارد و ما آن را به طور ناخودآگاه در حافظه زبانی خود داریم، ابتدایی‌ترین و ساده‌ترین دلیل حذف همین نکته باشد و در مرتبه دوم، تغییرات زبان به عنوان یک پدیده در دست تحول اجتماعی، عاملی برای حذف مواردی از زبان و از سویی هم افزایش موارد دیگر قلمداد شود.

لازم به ذکر است که این تغییرات و تحولات در زبان در سه حوزه آوایی، صرفی و نحوی صورت می‌گیرد که خود منجر به تحول در دو حوزه الفاظ و معانی می‌گردد.

<sup>۱</sup> - مقالات زبانشناسی - دکتر حسین وثوقی؛ ص ۶۵.